



قرآن در حج البلاغه

استاد محمد فولادگر

مقدمه

قال علی علیه السلام: ﴿ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ وَ لَكِنْ أُخْبِرْكُمْ عَنْهُ. أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ.﴾^۱

هر کس در نهج انبلاغه سیر کند این را می یابد که امام علی علیه السلام در اکثر خطبه ها و سخنان خود به آیات قرآن استشهاد می کند و گویا خطبه یا کلام خود را شرح و تفسیری از آن آیه می داند، در موارد بسیار، در مقام تعظیم و تکریم قرآن و بیان ویژگی ها و محسنات بر می آید که روح و جان آدمی را طراوت و صفا می بخشد، چرا که شخصی قرآن را تعریف و تبیین می کند که تالی تلو قرآن است و قرآن با جان و روحش در آمیخته و مطابق گفتار خودش، قرآن ناطق است. در این مقاله کوشش می شود که سخنان امام در باره قرآن در حد امکان بررسی شود به امید اینکه در پیچه ای برای فهم بیشتر قرآن و نهج البلاغه به رویمان باز گردد.

ویژگی های قرآن

امام علی (علیه السلام) در ضمن خطبه ای می فرماید: ﴿إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَقْضَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُكْشَفُ الظُّلْمَاتُ إِلَّا بِهِ﴾^۲



«به یقین قرآن ظاهرش زیبا و شگفت‌انگیز و باطنش ژرف و دور از دسترس است، شگفتی‌های آن فانی نمی‌گردد و اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد.»

در این بخش از کلام، امام (ع) پنج ویژگی برای قرآن یاد می‌کنند:

۱. زیبا و شگفت‌انگیز بودن ظاهر قرآن: که همان جهات لفظی و ظاهری اعجاز قرآن است و مشتمل بر

فصاحت قرآن و سبک قرآن و آهنگ و موسیقی ویژه آن و هندسه کلمات آن است. ۳.

۲. ژرف بودن باطن آن: و این بدان معنی است که هر چه بشر در قرآن غور و بررسی کند و مطالبی از آن استخراج کند تمام نمی‌شود.

یکی از دانشمندان می‌نویسد: «به راستی سخن بس شایسته است که جریان قرآن چون حرکت

خورشید و ماه است که در هر لحظه و هر منطقه جغرافیایی از زمین و بر هر عصر و نسل می‌تابد و آنان

به اندازه نیاز و ظرفیت خویش از آن انرژی و نور و حرارت کسب کرده‌بی آنکه هیچ کدام مدعی شوند

که همه انرژی خورشیدی را کسب کرده باشند و بی آنکه تلاش و بهره‌گیری وافر آنان از خورشید مانع

بهره‌وری نسل‌های بعد باشد. این رمز جاودانگی قرآن است که قرن‌ها بر آن گذشته و اندیشمندان و

نوپردازان و نوآوری‌های آن کاهش نیافته و رونق و تازگی و سازندگی خود را از دست نداده است. ۴.

۳. شگفتی‌های قرآن تمام نمی‌شود: زیرا کلام خداوند آفریده اوست همانند طبیعت که آفرینش

خداوندی است و اگر رازهای طبیعت تمام می‌شود و طبیعت شناسان به دنبال کشف راز تازه‌ای

نیستند، قرآن هم شگفتی‌های آن پایان می‌یابد.

۴. اسرار نهفته آن پایان نمی‌یابد: ممکن است تفاوت این دو جمله این باشد که جمله اول (لا تفنی

عجائبه) اشاره به جاودانگی و ابدی بودن زیبایی‌ها و شگفتی‌های آن باشد که گرد زمان آن را کهنه

نمی‌سازد بر خلاف کتاب‌های دیگر، و جمله دوم اشاره به اسرار نهفته قرآن باشد که با گذشت زمان

آشکار می‌گردد. ۵.

۵. تاریکی‌ها به واسطه قرآن برطرف شود: تاریکی‌ها همان تاریکی‌های جهل و ضلالت و کفر و نفاق

است که به وسیله قرآن برطرف می‌شود ولی برای کسی است که بخواهد خود را از این تاریکی‌ها

رهایی بخشد.

رعایت حقوق قرآن کریم

امام علی (ع) در ضمن خطبه‌ای می‌فرماید: **فَاللّٰهُ اَللّٰهُ اَيُّهَا النَّاسُ فِيمَا اسْتَحْفَظْتُمْ مِنْ كِتَابِهِ وَ**

اسْتَوْدَعْتُمْ مِنْ حَقُوْقِهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سُبْحٰنَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَّ لَمْ يَتْرِكْكُمْ سُدًى وَّ لَمْ يَدْعَكُمْ فِى جَهٰنَّمَ

وَلَا عَمًى ... وَاَنْزَلَ عَلَيْكُمْ الْكِتَابَ تَبَيٰنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَّ عَمَرَ فِىْكُمْ نَبِيَّهٖ حَتّٰى اَكْمَلَ لَهُ وَّ لَكُمْ فِيمَا اَنْزَلَ

مِنْ كِتَابِهِ دِيْنَهُ الَّذِى رَضِىَ لِنَفْسِهٖ ۝۶





ای مردم! خدا را! خدا را! رعایت کنید درباره کتاب خدا که حفظ آن از شما خواسته شده و درباره حقوق او، که به شما سپرده شده است.، زیرا خدای سبحان شما را بیهوده نیافریده و به حال خود وانگذاشته و در جهالت و کوری رها نساخته است... و قرآن را که بیان کننده هر چیزی است بر شما نازل فرموده و پیامبر خود را مُدتی در میان شما قرار داده تا به واسطه آنچه در کتاب خدا نازل کرده دین خود را که مورد رضای اوست برای او (پیامبر) و شما کامل گرداند.

امام (علیه السلام) در این بخش از خطبه به چهار آیه از قرآن اشاره دارد:

۱. ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ ۷ «آیا گمان بردید که شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما بازگشت نمی کنید.»

۲. ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ ۸ «آیا انسان گمان می کند که مهمل رها شده است.»

۳. ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ ۹ «و قرآن را بر تو نازل کردیم که بیان کننده هر چیز و وسیله هدایت و رحمت و بشارت برای مؤمنان است.»

۴. ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ ۱۰ «امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.»

۵. قسمت اول خطبه نیز مفاد بسیاری از آیات قرآن است که حفظ احکام و حدود الهی را از مسلمانان خواستار شده است. ۱۱

وظایف مؤمنان نسبت به ثقل اکبر

و در وصف بندگان محبوب خداوند می فرماید: ﴿فَإِذَا مَكَانَ الْكِتَابِ مِنْ زَمَامِهِ فَهُوَ قَائِدُهُ وَإِمَامُهُ، يَخْلُجُ حَيْثُ حَلَّ ثَقُلَهُ وَ يَنْزِلُ حَيْثُ كَانَ مَنَزَلُهُ﴾ ۱۲

«بنده محبوب خدا زمام خود را در اختیار قرآن قرار داده، از این رو آن رهبر و پیشوای اوست، هر جا قرآن بار اندازد، فرود می آید و هر جا قرآن جا می گیرد مسکن گزیند.»

در این جمله، با تشبیه زیبایی امام (ع) پیروی بندگان محبوب خدا را از قرآن بیان می کند و در ضمن خطبه دیگر می فرماید: ﴿تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفَوْا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَ أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقِصَصِ﴾ ۱۳

«قرآن را یاد بگیرید که بهترین گفتار است و فهم خود را در آن به کار گیرید که آن بهار دل ها است و از نور آن (برای دردهای خود) شفا بخواهید که آن شفای سینه ها است و آن را نیکو تلاوت کنید که سودمندترین داستان ها است.»

در این بخش از خطبه امام (ع) چهار ویژگی برای قرآن یاد می کند و در ارتباط با هر کدام فرمانی صادر می فرماید:





۱. قرآن بهترین گفتار است، چون گفتار خداست و از علم و قدرت بی نهایت او سرچشمه یافته است، بنابراین لازم است آن را بیاموزید.

۲. بهار دل ها است به واسطه زیبایی ها و طراوت و حلاوتی که دارد، از این رو باید خوب بفهمید تا از آن لذت ببرید.

۳. شیفای دردهای درونی است چنانکه در خود قرآن آمده است: ﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ ۱۴. پس باید از آن شفا خواست و این نسخه الهی را به کار گرفت.

۴. سودمندترین داستان ها است چنانکه در خود قرآن آمده: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ ۱۵. و داستان سرائی برای عبرت گرفتن است، از این رو آن را خوب تلاوت کنید و با توجه آن را بخوانید. و در خطبه دیگر می فرماید: ﴿فَجَاءَهُمْ بِتَصْدِيقِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَالنُّورِ الْمُفْتَدِي بِهِ، ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْتَبِطُوهُ وَلَنْ يَنْطِقَ وَلَتَكُنْ أَخْبَرَكُمْ عَنْهُ، أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمًا مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَاءِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ﴾ ۱۶: «پیامبر اعظم (ص) میان امت ها آمد با تصدیق کتب آسمانی که پیش از او نازل شده بود و با نوری که همه به آن اقتدا کنند، آن نور، قرآن است، از او بخواهید که سخن گوید اما او سخن نمی گوید، ولی من از آن شما را باخبر می سازم، آگاه باشید که در قرآن علم آینده و وصف روزگاران گذشته و دواى درد شما و وسیله نظم امور میان شما آمده است.

در این بخش از خطبه نیز امام (ع) چهار ویژگی قرآن را یاد می کند: علمی که آینده را تأمین کند، اخبار امت های گذشته، دواى دردهای ظاهری و باطنی بشر و نظم بخشیدن به زندگی انسان ها.

در خطبه دیگر می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْزَلَ كِتَابًا هَادِيًا بَيْنَ فِيهِ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ فَخُذُوا نَهْجَ الْخَيْرِ تَهْتَدُوا وَاصْرَفُوا عَنْ سَمْتِ الشَّرِّ تَقْصِدُوا، الْقُرْآنِضِ الْقُرْآنِضِ أَدْوَاهَا اتَّوَكَّدْكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ﴾ ۱۷.

به یقین خدای سبحان کتاب هدایتگری را نازل فرمود و در آن خوبی ها و بدی ها را بیان نمود، پس راه نیکی را پیش گیرید تا به راه سعادت هدایت شوید و از راه بدی پرهیزید تا در راه میانه (صراط مستقیم) قرار گیرید، واجبات را، واجبات را ادا کنید تا شما را به بهشت رساند.

در خطبه دیگر که باید آن را خطبه القرآن نامید، می فرماید: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَفْسُخُ وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يَضِلُّ وَ الْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ وَ نَقْصَانٍ زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نَقْصَانٌ مِنْ غَمٍّ، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَيَّ أَحَدٌ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقِهِ وَ لَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غَنِيِّ﴾ ۱۸:

«و بدانید که این قرآن خیرخواهی است که هرگز خیانت نمی کند و هدایتگری است که هرگز گمراه نمی کند و گوینده ای است که هرگز دروغ نمی گوید و هیچ کس با این قرآن همنشین نشد جز اینکه وقتی برخاست چیزی بر او افزوده و چیزی از او کاسته شده بود، آنچه بر او افزوده می شود هدایت و





آنچه از او کاسته می شود کوری و ضلالت است، و بدانید که برای هیچ کس بعد از عمل به قرآن فقر و تنگدستی نیست و نیز برای هیچ کس بدون عمل به قرآن غنا و توانگری حاصل نمی گردد.»

﴿فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ آذْوَانِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَانِكُمْ، فَإِنْ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَانْفِاقٌ وَ الْغَىُّ وَ الضَّلَالُ، فَاسْتَلُوا لَهُ بِهِ وَ تَوَجَّهُوا إِلَيْهِ بِحُبِّهِ وَ لَا تَسْأَلُوا بِهِ خَلْقَهُ إِنَّهُ مَا تَوَجَّهَ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمِثْلِهِ ۝ ۱۹﴾

«پس شفای دردهای خود را به وسیله قرآن بخواهید و بر مشکلات خود با کمک قرآن فائق آید چرا که در قرآن شفای بزرگترین دردها است که آن کفر و نفاق و گمراهی است، پس از خدا به وسیله قرآن درخواست کنید و با محبت به قرآن به خدای روی آورید و از آفریدگان او به وسیله قرآن چیزی درخواست نکنید به یقین که بندگان خدا به چیزی همانند قرآن به سوی خداوند متعال روی نیاورده اند.»

﴿وَاعْلَمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ قَابِلٌ (ماحِل) مُصَدِّقٌ وَ أَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَعَ فِيهِ وَ مَنْ مَحَلَ بِهِ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَدِّقٌ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ يَنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: «إِن كُنَّ حَادِثٌ مُبْتَلَى فِي حَرَّتِهِ وَ عَاقِبَةٌ عَمَلِهِ غَيْرَ حَرَّتَةِ الْقُرْآنِ» فَكُونُوا مِنْ حَرَّتِهِ وَ اتَّبَاعِهِ وَ اسْتَدْلُوهُ عَلَى رَبِّكُمْ وَ اسْتَنْصِحُوهُ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ اتَّهَمُوا عَلَيْهِ آرَائِكُمْ وَ اسْتَعِيشُوا فِيهِ أَهْوَانِكُمْ ۝ ۲۰﴾

«و بدانید که این قرآن شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته و خصومت کننده ای است که خصومت آن تصدیق می گردد و بدانید که هر کس را قرآن شفاعت کند در روز قیامت شفاعت او پذیرفته می شود و هر کس که قرآن در روز قیامت با او خصومت کند، خصومت آن علیه او تصدیق می گردد.»

«و به یقین در روز قیامت منادی ندا می کند که: «آگاه باشید که هر بزرگری گرفتار گشت و سرانجام کار خویش است به جز کشتگران قرآن» پس، از کشتگران قرآن و پیروان آن باشید و برای شناخت پروردگارتان به قرآن استدلال کنید و از قرآن برای خودتان خیرخواهی کنید و رأی و سلیقه خود را درباره قرآن دروغ شمارید (تفسیر به رأی نکنید) و اعمال هوی و هوس خود را در قرآن خیانت بشمارید.»

آنچه یاد شد دوازده بخش از این خطبه بود که امام علی علیه السلام ویژگی های قرآن و مزایای آن را بر شمرند که شرح مختصری درباره آنها متذکر می شویم.

۱. قرآن هدایتگری است که هرگز گمراه نمی کند: در قرآن کریم وصف هدایت، در آیات متعددی یاد شده است، از آن جمله: در آغاز سوره بقره می فرماید: **ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ۝ ۲۱** «این قرآن کتاب خدا است که شکی در آن نیست و هدایت کننده متقیان است» و بالغ بر بیست آیه دیگر در ارتباط با همین صفت هدایت برای قرآن آمده؛ چرا که در حقیقت قرآن کتاب هدایت است



و آن هم هدایت به اقوام: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ» ۲۲: «این قرآن به آن راهی که استوارتر است هدایت می‌کند.»

۲. قرآن، ناصحی است که خیانت نمی‌کند: نصیحت و خیرخواهی برنامه همه انبیای الهی بوده است. در قرآن کریم گفتار حضرت نوح، هود و صالح را که به قومشان می‌گویند ما ناصح و خیرخواه شما هستیم یاد می‌کند ۲۳ و پیداست قرآن که زبده و چکیده برنامه همه انبیای الهی و آخرین پیام الهی برای بشر است به نحو احسن از این ویژگی برخوردار است.

۳. گوینده‌ای است که دروغ نمی‌گوید: قرآن کلام خداست: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» ۲۴: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» ۲۵ «چه کسی از خدا در گفتار راستگوتر است.»

۴. نشستن با قرآن: چه بخوانی و یا گوش دهی، سبب هدایت بیشتر و ازدیاد ایمان می‌گردد. البته اگر با توجه بخوانی و یا گوش دهی و از آن طرف نادانی و گمراهی را برطرف می‌کند.

۵. هر قومی که به قرآن عمل کند گرفتار فقر و تنگدستی نمی‌شود و اگر قرآن را رها کند به توانگری نمی‌رسد، عمل به قرآن یعنی رعایت عدالت، انصاف، مروءت، امانت، راستی، درستکاری، ترحم و عطف، عفت و پاکدامنی و ... و پیداست که هر جامعه‌ای که این امور را رعایت کند گرفتار فقر و تنگدستی نخواهد شد و اگر رعایت نکند نتیجه‌ای جز فقر و فاقه نخواهد داشت.

۶. قرآن دوی دردهاست: چنانکه در خود قرآن آمده: «وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» ۲۶ و نه تنها شفای دردهای باطنی از قبیل کفر و نفاق و ضلال و اخلاق زشت است بلکه شفای دردهای ظاهری نیز هست، زیرا عامل به قرآن رعایت امور بهداشتی را هم می‌کند و از پرخوری، خوردن غذاهای زاینبخش و هر چه مخالف بهداشت است پرهیز می‌کند.

۷. وسیله‌ای برای تقرب به خدا: بهتر از قرآن نیست، زیرا قرب به خدا و تحصیل رضای او در ارتباط با عمل به قرآن و پیروی از آن حاصل می‌گردد: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ سَبِيلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» ۲۷ به یقین از جانب خدا نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمده که شما را به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به اذن خدا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد و شما را به صراط مستقیم هدایت می‌کند.

۸. قرآن شفاعت کننده‌ای است: که شفاعتش پذیرفته و خصومت کننده‌ای است که خصومت آن تصدیق می‌گردد، و این مطلبی است که پیامبر اعظم (ص) در آن حدیث معروف درباره قرآن فرمود: «إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَمَا حِلٌّ مُصَدِّقٌ...» ۲۸ هرگاه فتنه‌ها چون پاره‌های شب تاریک شما را فرا گرفت بر شما باد که به جانب قرآن روید که آن شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش پذیرفته و خصومت کننده‌ای است که خصومت آن تصدیق می‌شود.

۹. کشتکاران قرآن روز قیامت گرفتاری ندارند: در اصطلاح اهل ادب، عمل انسان در دنیا به کشت





تشبیه شده که محصول آن را در آخرت برداشت می‌کند. چنانکه در روایت آمده **الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ** الآخره **۲۹** و حافظ می‌گوید:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
امام علی (علیه السلام): تنها کشتکاری که روز قیامت محصول او برایش گرفتاری ندارد کسی است
که در دنیا به قرآن عمل کرده است.

۱۰. از قرآن نصیحت بخواهید زیرا چنانکه در آغاز گفته شد ناصحی است که خیانت نمی‌کند.

۱۱. رأی خود و سلیقه خود را در تفسیر قرآن به کار نبرید؛ چراکه پیامبر اعظم (ص) فرمود: **مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعْهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ** ۳۰ هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند جایگاه خود را در آتش آماده کند.

۱۲. اعمال هوی و هوس خود را در قرآن، خیانت به قرآن بشمارید.

پی نوشت ها

- | | |
|---|------------------------------|
| ۱- خطبه ۱۸۵ بخش ۲ | ۱۵- سوره یوسف، آیه ۳ |
| ۲- نهج البلاغه، کلام ۱۸ بخش ۷ | ۱۶- خطبه ۱۵۸ بخش ۱ و ۲ |
| ۳- کتاب وحی و نبوت علامه مطهری، ص ۱۰۳ | ۱۷- خطبه ۱۶۷، بخش ۱ |
| تا ۱۰۷ | ۱۸- خطبه ۱۷۶، بخش ۷ تا ۱۲ |
| ۴- منابع اجتهاد، محمد ابراهیم جناتی، ص ۶۹ | ۱۹- همان |
| | ۲۰- همان |
| ۵- پیام امام علی، ج ۱، ص ۶۲۵ | ۲۱- سوره بقره، آیه ۲ |
| ۶- خطبه ۸۶ بخش ۳ تا ۵ | ۲۲- سوره اسراء، آیه ۹ |
| ۷- سوره مؤنون، آیه | ۲۳- سوره اعراف و هود |
| ۸- سوره قیامت، آیه ۳۶ | ۲۴- سوره نساء، آیه ۱۲۲ |
| ۹- سوره نحل، آیه | ۲۵- همان، آیه ۸۷ |
| ۱۰- سوره مائده، آیه ۳ | ۲۶- سوره اسراء، آیه ۸۲ |
| ۱۱- مانند آیه ۱۱۲ سوره توبه | ۲۷- سوره مائده، آیه ۱۵ |
| ۱۲- خطبه ۸۷، بخش ۹ | ۲۸- تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۷۳ |
| ۱۳- خطبه ۱۱۰، بخش ۶ | ۲۹- پیام امام، ج ۲، ص ۱۸۴ |
| ۱۴- سوره اسراء، آیه ۸۲ | ۳۰- المیزان، ج ۳، ص ۱۷۷ |

